



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۵/۱۲/۱۴

محمد مُحَق

دست دادن مرد با زن به قصد مصافحه

در روزهای اخیر ویدیویی در شبکه‌های اجتماعی دست به دست می‌شد که در آن خانم دکتر سیماسمر با جمعی از مردان و زنانی که در استرالیا به استقبالش صف بسته‌اند برای احوال‌پرسی دست می‌دهد، و در آن میان یک جوان از هموطنان ما هنگامی که خانم سمر دستش را به سوی او دراز می‌کند، از دست دادن خودداری می‌ورزد. این منظره برای هموطنانی که آن ویدیو را دیده‌اند مناقشه برانگیز شد و پیرامون آن بحث‌هایی در گرفت.

در وضعیتی مشابه، چند سال قبل از آن، من در قاهره بودم و محفلی به مناسبت روز استقلال افغانستان برگزار کرده بودیم. مهمانان ما سفرا و دیپلمات‌های سایر کشورها بودند. در آن محفل، سفیر سریلانکا با خانمش که هر دو پیر بودند، وارد سالن شدند و سفیر ایران نیز همزمان با آنان وارد شد، و پس از آن که سفیر سریلانکا با سفیر ایران دست داد، خانمش نیز دست خود را به قصد مصافحه به سوی سفیر ایران دراز کرد اما او از دست دادن معذرت خواست. این منظره برای من نه تنها غیر دیپلماتیک بلکه غیر انسانی و بسیار مشمززکننده به نظر آمد. زیرا در آن لحظه که کسی دست خود را به سوی شما به قصد مصافحه دراز می‌کند یک عمل خالص انسانی را که نشانه احترام و روابط دوستانه است به نمایش می‌گذارد، و پس زدن آن به معنای لگد زدن به انسانیت است. البته دیپلمات‌های ایرانی همیشه با این وضعیت‌های شرم‌آور مواجه می‌شوند و از ترس رژیم‌شان مجبورند چنین رفتاری را به نمایش بگذارند. جالب البته این است که به گفته آن استاد ایرانی در حضور جواد ظریف و شماری از مقام‌های دولتی، مقام‌های ایرانی هر کار دیگری با زنان می‌کنند به جز دست دادن! (ویدیوی این سخن در شبکه‌های اجتماعی موجود است).

چندین سال پیش از این‌ها اما، من اولین بار با این تجربه رو به رو شدم. پس از سقوط طالبان که تازه آقای کرزی حکومت را در کابل به دست گرفته بود، از پیشاور به کابل آمدم. در هوتل کانتیننتال همراه با یکی از شخصیت‌های روحانی هرات، که اندکی گرایش سلفی نیز داشت و اکنون از دنیا رفته است، به سمت اتاق هیئت هراتی می‌رفتیم و به یکی از هموطنان هراتی فعال در موسسات رسیدیم که در حال گفتگو با دو خانم هموطن غیر محجبه تازه برگشته از خارج بود. او ما دو نفر را به آن خانم‌ها معرفی کرد، و آن دو خانم که یکی کاملاً پیر و دیگری میانسال بود، دست‌شان را برای احوال‌پرسی به سوی ما دراز کردند، و ما با آنان مصافحه کردیم و از آن‌جا گذشتیم. وقتی به اتاق رسیدیم، آن شخصیت روحانی مضطرب به نظر می‌رسید و به من گفت کار خوبی نشد که با خانم‌ها دست دادیم!! ایشان از بعد شرعی قضیه نگرانی داشت. خوشبختانه ایشان یک زمانی نزد من کمی درس خوانده بود و سخنانم را آن زمان جدی می‌گرفت. من به ایشان گفتم که موضوع به آن غلظت که شما فکر می‌کنید نیست، یعنی دست دادن با زن همیشه ناروا نیست و حکم فقهی آن بستگی به شرایط و نیت و نتایج مرتبه دارد. برای ایشان توضیح دادم که از فقها و اندیشمندان معاصر کسانی مانند یوسف قرضاوی، محمد عماره، حسن ترابی و شماری دیگر به جواز آن فتوا داده‌اند. البته عبارتی که قرضاوی در برنامه الشریعه و الحیاه به صورت قید به کار برد این بود: "إذا دعت الحاجة وانتفت الفتنة" یعنی دست دادن مرد با زن جواز دارد در صورتی که نیازی به این کار باشد و بیم در افتادن به فتنه‌ای در میان نباشد. مراد از فتنه در تصور فقهی کشیده شدن به برقراری رابطه نامشروع با طرف مقابل است.

کسانی که دست دادن با زن نامحرم را ناروا می‌دانند به روایاتی منسوب به پیامبر اسلام استدلال می‌کنند. در یکی از این روایت‌ها آمده است که آن حضرت گفته است: "انا لا اصفح النساء" یعنی من با زنان مصافحه نمی‌کنم. طبق قواعد اصولی، محض فعل پیامبر، اگر در امور عبادات نباشد و به امور عادی زندگی تعلق بگیرد متضمن حکم شرعی نیست و از آن وجوب یا حرمت نتیجه‌گیری نمی‌شود و می‌تواند یک سلیقه شخصی را نشان بدهد. محمد عماره می‌گوید دست ندادن پیامبر اسلام با زنان در کانتکت/سیاق بیعت آمده است که به صورت آیینی و در قالب مراسمی برگزار می‌شده است، و در خلال آن قرار بوده است هنگامی که دست کسی در دست وی است، عباراتی را در باره محتوای بیعت تکرار کند، مانند مراسم سوگند خوردن به شهروندی در برخی از کشورها. عماره همچنان

د پانو شمیره: له 1 تر 2

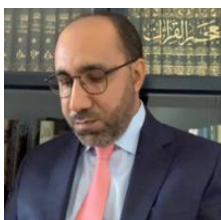
افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

يادونه: دليکنې دليکنيزې بنې پازوالي دليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

کلمه مس/مساس را که در برخی از روایت‌ها آمده و منع شده است، به معنای مقاربت دانسته و گفته است که لمس و مس در شماری از روایت‌ها کنایه از مقاربت کامل است و نه دست دادن.

در مقابل، کسانی که دست دادن با زن را جایز می‌دانند به روایت دیگری استناد می‌کنند که بخاری (شماره 6072) در صحیح خود از انس بن مالک در باره پیامبر آورده و می‌گوید: "إن كانت الأمة من إماء المدينة لتأخذ بيد رسول الله صلى الله عليه وسلم فتنتقل به حيث شاءت" یعنی گاهی کنیزان مدینه دست آن حضرت را می‌گرفتند و به هر جا که می‌خواستند با خود می‌بردند. منظور این روایت این است که تواضع وی در حدی بود که حتی پایین‌ترین قشر جامعه نیز می‌توانست از او بخواهد که در کارها کمکش کند و او دست رد به سینه کسی نمی‌زد. البته همه این روایت‌ها، موافق و مخالف، ظنی الثبوت هستند و چنین نیست که به صورت قطعی سخنان پیامبر اسلام شمرده شوند. از منظر فقه حنفی، طبق قواعد علم اصول فقه، اعمال انسانی از نظر نیکی و زشتی به چهار دسته تقسیم می‌شوند، اعمالی که ذاتاً زشت هستند (قبیح لذاته) مانند آدم کشتن و دروغ گفتن و دزدی کردن و غیره، دوم اعمالی که ذاتاً نیک هستند (حسن لذاته) مانند راست گفتن، خیرخواهی، خدمت به والدین، کمک به نیازمندان و غیره، سوم اعمالی که در ذات خود خنثی هستند اما می‌توانند مقدمه کارهای زشت شوند (قبیح لغیره) و چهارم اعمالی که در ذات خود خنثی هستند اما می‌توانند مقدمه کارهای نیک شوند (حسن لغیره). دو مورد اول از نظر فقهی حکمشان روشن است، که اولی قطعاً ناروا و دومی قطعاً رواست. در مورد سوم و چهارم که اعمال خنثی هستند و مقدمه کار نیک یا کار بد می‌شوند، حکم آن‌ها به میزان منتهی شدن به آن نتایج بستگی دارد. یعنی به هر پیمانه که احتمال وقوع آن به عمل نیک یا بد بیشتر باشد به همان پیمانه بر حسن یا قبح آن افزوده می‌شود، اما هنوز حسن و قبح آن‌ها ذاتی نیست. بر اساس این قاعده، دست دادن با زن نامحرم، نگاه کردن به او، سخن گفتن با او، کار کردن در محیط کاری مشترک، سفر کردن، و سایر تعاملات معمول در ذات خود خنثی هستند، و از این حیث که طرف مقابل زن است حسن و قبح ذاتی ندارند، تنها در صورتی در محدوده حکم فقهی ثواب یا گناه داخل می‌شوند که قراین و زمینه‌هایی باشد که آن را مقدمه اعمال دیگر بگرداند. شبیه این مناقشه در دیگر مذاهب فقهی به شمول فقه جعفری نیز جاری است و اختلاف نظر‌ها و اما و اگر‌ها در این باب فراوان است و اگر وارد جزئیات این بحث شوم و استدلال هر فقیه را توضیح دهم مثنوی هفتاد من کاغذ می‌شود.

هدف از این بیان مختصر این بود که به اختلافات فقهی در این باب اشاره شود و این‌که این موضوع از موضوعات قطعی دین نیست و برداشت‌های مختلفی از آن در میان فقها وجود دارد. اهمیت موضوع بیش‌تر از این حیث است که در شماری از کشورها و جوامع عرف دست دادن با زنان در محافل و مجامع عمومی رواج دارد و دست ندادن مردان مسلمان بازتاب غیر انسانی دارد، مانند عمل آن هموطن جوان ما در استرالیا. پدیده دست دادن به قصد مصافحه یکی از قدیمی‌ترین عرف‌های فرهنگی بشر است، و به لحاظ انتروپولوژیک یکی از رفتارهای بسیار شایع در فرهنگ‌های مختلف بوده و برای نشان دادن حسن نیت و برقراری رابطه سالم انسانی ایجاد شده است و مفهوم جنسی ندارد و به عنوان مقدمه برقراری روابط نامشروع شناخته نشده است. منافقانه‌تر از هر چیز البته همان است که به گفته آن استاد ایرانی، مردان ما هر کاری را با زنان می‌کنند به جز دست دادن.



آرشیف: نویسنده در پورتال افغان جرمن آنلاین